

## **A critical analysis of Orientalists' views on the Quranic interpretations of "Sister of Aaron" and "Bint Imran"**

**Azam sadat Shabani\***

**Phorough Paras\*\***

### **Abstract**

Some orientalist have proposed the Quranic errors about the characters of the previous holy texts in order to reinforce the theory of adaptation. The present article, regard to the interpretive method of "Typology" in the religious culture of the church, and also using the opinions of previous Muslim commentators about the Quranic interpretations of "Sister of Harun" and "bint-e-Imran" about Maryam, reviews and solves the problems of misunderstanding these Quranic phrases and has challenged the theories of Orientalists. Christian commentators by using the interpretive method of cognitive prototypes (typology) connect the characters of Tanakh to the later people in the New Testament. By exploring this interpretation method, this research seeks to investigate its impact on understanding of the mentioned Qur'anic phrases. Attention to the usage of the name "Harun" in Tanakh and New Testament, as well as the metaphorical using of words such as "Okht", "Bint" and "Ibn", in the intertextuality of the Holy Bible and the Holy Quran, are the concern of this research. In the face of the typological interpretation of the Christian, the Qur'an is sometimes associated with this kind of interpretative interpretations, which can be regarded as a method of understanding.

**Keywords:** Okht-e-haron, Maryam, Holy Bible, Holy Quran, typology, paradigmatic.

\* PhD in Quranic science and Tradition, Visitor Professor of Alzahra University, Theology Faculty, az.shabani75@mail.com

\*\* PhD in Quranic science and Tradition, Associate Professor of Institute for Humanities and Cultural Studies (Corresponding author), f.parsa@ihcs.ac.ir

Date received: 2022/10/10, Date of acceptance: 2023/01/21



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## تحلیل انتقادی دیدگاه خاورشناسان درباره تعابیر قرآنی «اخت هارون» و «بنت عمران»

اعظم سادات شبانی\*

فروغ پارسا\*\*

### چکیده

برخی خاورشناسان در جهت تثبیت نظریه اقتباس، انگاره خطاهای قرآنی درباره اعلام و شخصیت‌های متون مقدس پیشین را مطرح کرده‌اند. مقاله حاضر با توجه به شیوه تفسیری «پیش‌نمون شناختی» در فرهنگ دینی کلیسایی و نیز استفاده از نظریات مفسران مسلمان پیشین درباره تعابیر قرآنی «اخت هارون» و «بنت عمران» به مریم (س)، به بازخوانی و حل مشکلات فهم این عبارات قرآنی پرداخته و نظریات خاورشناسان را به چالش کشیده است. مفسران مسیحی با استفاده از روش تفسیری پیش‌نمون شناختی (تیپولوژی)، شخصیت‌های تنخ را به افراد بعدی در عهدجدید، مرتبط می‌سازند. این پژوهش با کنکاش در این روش تفسیری به دنبال بررسی تاثیر آن در فهم عبارات قرآنی مذکور است. توجه به کاربرد نام «هارون» در تنخ و عهدجدید و همچنین استفاده‌های استعاری از واژگانی نظیر «اخت»، «بنت» و «ابن»، در بینامتنیت کتاب مقدس و قرآن کریم، مورد توجه این پژوهش است. در مواجهه با تفسیر پیش‌نمون شناختی مسیحی، قرآن در مواردی با این نوع برداشت‌های تفسیری همراهی دارد که در حد یک روش فهم قابل اعتنا می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** اخت هارون، مریم، کتاب مقدس، قرآن کریم، تیپولوژی، پیش‌نمون شناختی.

\* دکترای علوم قرآن و حدیث، مدرس دانشگاه الزهراء، az.shabani75@mail.com

\*\* دانشیار علوم قرآن و حدیث، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)،

f.parsa@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۲



## ۱. مقدمه و بیان مسئله

از مواردی که خاورشناسان به اشتباه تاریخی قرآن کریم اشاره می‌کنند، یکسان‌پنداری مریم، مادر عیسی با خواهر موسی، به دلیل تشابه اسمی است. (ر.ک: مریم: ۲۸) خاستگاه این شبهه مربوط به دیدگاه خاورشناسان در وحیانی نبودن متن قرآن و اقتباس ناقص آن از عهدین است. در واقع برخی از خاورشناسان مانند گایگر و مینگانا ادعا می‌کنند؛ تعابیر «اخت هارون» و «بنت عمران» نسبت به مریم (س) مبتنی بر اطلاعات وام گرفته شده قرآن از تنخ<sup>۱</sup> و تشابه اسمی مادر عیسی (س) و خواهر موسی (س) است. (Geiger, 1835, p.136-7; Mingana, 1998: 79 خاورشناسان دیگری مانند «سمیر» (Samir, 2008: 142-3)، «مراد» (Mourad, 2008: 163-166)، «رابینشتاین» و «واکر» (Walker, 2018: 37; Rubineshtien-Shemer: 131) و «سیلاس»<sup>۲</sup> نیز آن را مطرح کرده‌اند. برخی دیگر نظیر «جورج سیل» و «نویورت»، بدون پیش‌داوری به بررسی این موضوع قرآنی پرداخته‌اند. (Neuwirth, 2010: 329-31; Sale, 2010: 251)

خاورشناسان در پی تقویت دیدگاه خود، به احادیثی در این باره استناد کرده‌اند. مانند ناآگاهی مغیره بن شعبه در پی سوال مسیحیان نجران که در برخی منابع ضبط شده است. (مسلم، بی تا، حدیث ۲۱۳۵).

بر این اساس، مسأله این جستار بررسی ادعای خاورشناسان در خطای تعابیر قرآنی نسبت به مریم (س) است. پیشینه این مطالعه در برخی تفاسیر متقدم و نیز پژوهش‌های معاصر قابل دسترسی است. مفسران قرآن کریم از عصر نزول تا کنون با استدلال‌های مختلف ادعای خطای قرآن را مردود اعلام کرده‌اند. مقاله محمد شکری و علی نظری در مجله پژوهش‌های قرآنی، تحت عنوان «پاسخی به شبهه اطلاق عنوان اخت هارون بر مریم در قرآن کریم» و مقاله روزبه تویسرکانی با عنوان «دختر عمران خواهر هارون نیست»<sup>۳</sup> با نگاهی جدیدتر از مقاله نخست، به این مسئله پرداخته‌اند؛ اما در روش استدلال و نتایج، با این جستار متمایز است. مقالاتی به زبان انگلیسی نیز موجود است که در این پژوهش از منابع و نوع نگاه آنان، در کنار نقدی به دور از تعصب، استفاده شده است (Marx, 2009: 533-7). در همه این مقالات، استدلال‌های خاورشناسان و متون مقدس پیشین به اندازه کافی مورد تأمل قرار نگرفته است.

در واقع این پژوهش، مسأله ادعای خطای تعبیر قرآنی در نامیدن مریم (س) را با تکیه بر روش تفسیری پیش‌نمون‌شناختی در مسیحیت بررسی و تحلیل کرده است. از سوی دیگر تلاش کرده با تدقیق در متن قرآن کریم به عنوان متن پسین، رابطه این تعابیر با نام‌گذاری‌های کتاب‌های مقدس، به عنوان متن پیشین را مطالعه و بینامتنیت قرآن کریم و کتاب مقدس درباره

تحلیل انتقادی دیدگاه خاورشناسان دربارهٔ ... (اعظم سادات شبانی و فروغ پارسا) ۷۷

متغیرهای پژوهش را بازنمایی کند که این روش، در شمار نوآوری‌های این پژوهش تلقی می‌گردد.

## ۲. روش‌شناسی تحقیق: تفسیر پیش‌نمون شناختی

«تیپولوژی» از روش‌های مسیحی در تفسیر متون کتاب مقدس است. از منظر مسیحیان، وقتی تنخ به یک رویداد یا شخص اشاره می‌کند، در واقع شکل مشابه آن را در عهدجدید پیش‌بینی می‌کند. در مسیحیت متقدم، علمای مسیحی که از آنان آباء کلیسا یاد می‌شد، به دنبال یافتن ارتباط معناداری بین عهدقدیم و جدید بودند، این امر از دیرباز تا به امروز به عنوان «گونه‌شناسی»، «تیپولوژی»، «سنخ‌شناسی» یا «پیش‌نمون‌شناختی» جای خود را در تفسیر کتاب مقدس باز کرده است. (Trigilio & Brighenti, 2005: 33)

عبارت «زیرا همچنانکه یونس سه شبانه روز در شکم ماهی ماند، پسرانسان نیز سه شبانه روز در شکم زمین خواهد ماند.» (متی: ۱۲: ۴۰) از تفسیر تیپولوژی بهره برده است. (Ibid) و رستاخیز مسیح را در طی سه روز، به زمان ماندن یونس در شکم ماهی ارتباط داده است. پیش‌نمون شناختی نوعی تفسیر است. این امر در متن اصلی رخ نمی‌دهد، بلکه در فهم مفسر شکل می‌گیرد. مفسر دین جدید و کتاب مقدس جدید، تعبیری از کتاب مقدس پیشین را به افرادی یا آموزه‌های جدید تفسیر می‌کند. (براشر، ۱۳۹۹: ۱۵۷)

## ۳. دیدگاه خاورشناسان دربارهٔ تعبیر قرآنی «اخرت هارون»

آبراهام گایگر (۱۸۱۰-۱۸۷۴) در کتاب خود آورده است:

بدون شک محمد ﷺ نام‌های «میردام» و «مریم» را در یک کاربرد و بدون توجه به زمان متفاوت آن‌ها در نظر گرفته و کاربرد مدنظر خود را از این انتساب در نظر داشته است. هرچند نام «میردام» در سیاق خود در قرآن به کار نرفته است، اما با عبارت «اخرت هارون»، دو «مریم» را یکی در نظر گرفته و برداشت خود را انتقال داده است. (Geiger, 1835: 137)

مشاهده می‌شود گایگر اصالتی برای قرآن به عنوان وحی الهی قائل نیست و آن را بافته کلام حضرت محمد ﷺ می‌داند.

آلفونس مینگانا (۱۸۸۱-۱۹۳۷) اساساً با اصالت عربی اعلام در قرآن مخالف است و نه تنها ریشه اسامی علم، بلکه بسیاری از افعال و اسامی ذات و معنا را دارای ریشه سریانی می‌داند و

مریم نیز طبق این قاعده کلمه‌ای سریانی و با تلفظ عبری با اختلاف ناچیز (میردام) است. او اصلاتی برای زبان قرآن قائل نیست، بنابراین خطای قرآن را در واگویی قصص محرز می‌داند. (Mingana, 2002: 175-6)

سمیر (۱۹۳۸) در مقاله خود سلسله مواردی را مبنی بر سیاق مسیحی قرآن کریم بیان کرده و معتقد است قرآن در بیان مطالب، وابسته به عهدجدید است. او با اشاره به کاربرد نام «عمران» در قرآن، اعلام می‌کند قرآن مرتکب اشتباه در نگاه تاریخی به «عمران» شده است. (Samir, 2008: 142-3) مراد (۱۹۶۶) نیز به بازگویی این به اصطلاح خطای قرآنی می‌پردازد. (Mourad, 2008: 165)

رابینشتاین و واکر معتقدند الگوی نامیدن افراد به نیاکان خوش نام، امری رایج بوده اما مسیحیان نجران از آن رسم مطلع نبودند و از بیان قرآن درباره هارون و مریم، رابطه واقعی خواهر و برادر می‌فهمیدند. مغیره هم (در احادیث منقول) این کاربرد را نمی‌دانست زیرا با وجود دانستن اصطلاح استعاری دیگر موضوع را از محمد ﷺ نمی‌پرسید و معنای استعاره را به مسیحیان نجران می‌گفت. در کتاب مقدس نیز استعاره‌ای مربوط به «خواهر» یا «برادر» در مفهوم «نیاکان خوش نام» به کار رفته است و تنها در مورد «فرزندان» یا «پدران» استفاده شده است. کاربرد واژه «خواهر»، در مورد خویشاوند واقعی است. همچنین قرینه دیگری در قرآن، از مدل استعاره‌ای محمد ﷺ به عنوان «خواهر» یا «برادر» پیروی نمی‌کند. «برادر» حدود ۸۲ بار در قرآن آمده و بیشتر اوقات به معنای واقعی کلمه استفاده شده است. گاه به شکل استعاره مانند «برادر» ایمانی، یا مردی از قبیله به کار رفته است، اما بین یک انسان زنده و شخصی که صدها سال قبل از او بوده، استعاره نشده است و متنی از این مدل اصطلاح در قرآن، وجود ندارد. (Walker, 2018: 37; Rubineshtien-Shemer: 131)

قرآن شامل قصص بسیاری از یهودیت، اعم از کلامی و فولکلور است. (Mingana, 2002: 175) انتظار می‌رفت نقل محمد (ص) از داستان‌ها و افسانه‌های یهود و استفاده از استعاره‌های آنان، آگاهانه باشد. (Walker, 2018: 37) از طرفی کلام محمد ﷺ برای پیروانش حجت بوده است؛ اما احادیث چندانی در زمینه کاربرد نام نیاکان خوشنام یافت نمی‌شود. (Ibid)

اشکال دیگر آن است که در عهدجدید در انتساب به «مقدسین قدیم»، خطاب «پسر» یا «دختر» وجود دارد. در (متی: ۲۱: ۹) به عیسی «پسر داود» و در (لوقا: ۱: ۵) به ایصابات «دختر هارون» گفته می‌شود و یهودیان در (یوحنا: ۸: ۳۸) از ابراهیم به عنوان «پدر» یاد می‌کنند، اما هیچ کدام از مقدسین قبلی «برادر یا خواهر» خطاب نشده‌اند. استفاده مجازی از اصطلاحات

تحلیل انتقادی دیدگاه خاورشناسان دربارهٔ ... (اعظم سادات شبانی و فروغ پارسا) ۷۹

«پسر» و «دختر» در فرهنگها مشاهده می‌شود. زمانی که احبار به ایجاد یا استقرار ملت اسرائیل کمک می‌کردند، افراد پیرو را «پسر» یا «دختر» می‌نامیدند. اما کاربرد خواهر یا برادر مطرح نبوده است. (Silas)<sup>۴</sup>

هم‌چنین مریم از فرزندان یهوداست، بنابراین نسب او به هارون برنمی‌گردد. باب ۳ انجیل لوقا و عبرانیان: ۷: ۱۴، به آن اشاره دارد. (Ibid)

آیزنبرگ می‌گوید حتی اگر تصور کنیم هارون بر دو نفر اطلاق شده و با تفاسیر موجود بتواند هارون در قرآن برادر مریم باشد یا نباشد، نام پدرهای یکسان برای هارون و مریم تأیید دیگری بر این اشتباه فاحش است. گزارش کتاب مقدس می‌گوید عمران پدر موسی، هارون و مریم بود. (اعداد: ۲۶: ۵۹) قرآن این نام را به پدر مریم، مادر عیسی نیز نسبت داده است و مریم به عنوان «دختر عمران» شناخته شده است. (التحریم: ۱۲) بنابراین در اینجا اتصال دوگانه وجود دارد: «مریم» خواهر هارون و دختر عمران است. (Eisenberg, 1987, v.3: 476) در واقع، محمد دچار اشتباه در تشابه نام مادر عیسی و خواهر موسی شده و این دو را با هم یکسان گرفته است. (Margoliouth, 1905: 61, 106-7 ; Silas; Eisenberg, Ibid)

#### ۴. نقد دیدگاه‌های خاورشناسان

این جستار لازم می‌داند ابتدا نگاهی به شیوه مواجهه مسیحیت با این‌گونه متون در کتاب مقدس داشته و سپس با روش خود به حل مسأله و پاسخ به شبهه موجود بپردازد.

#### ۱.۴ شیوهٔ پیش‌نمون‌شناختی در بازنگری فهم قرآن

در تفسیر پیش‌نمون‌شناختی، از منظر مسیحیان<sup>۵</sup>، ارتباط عهدجدید با تنخ در تأیید کامل این دو عهد است، بنابراین انکار یا مقابله در این دو متن پذیرفتنی نیست. برخی محققان مسیحی معتقد هستند قرآن نیز باید به روش پیش‌نمون‌شناختی خوانده شود، بنابراین مریم در سیاق قرآنی، «خواهر هارون» نامیده شده است. مریم (خواهر موسی)، اولین زنی است که در کتاب مقدس او را «نبیه» می‌نامند؛ در واقع مریم مادر عیسی (س) نیز بشارت داده می‌شود هم‌چون خواهر موسی «نبیه» خواهد شد. بنابراین، «در راستای این گونه‌شناسی، می‌توان گفت مریم نیز خواهر هارون است که اکنون خانواده او در سطحی برابر با خاندان ابراهیم قرار دارند.» (Marx, 2009: 534; Abboud, 2014: 104) و تصویری که از خواهر موسی (س) از متون مقدس

به دست آمده، خواهری همراه در کنار موسی و هارون در امر رسالت است. ظاهراً نامیدن مریم، توسط همسر عمران با پسر نشدن او جهت نذر وی در خدمت به معبد، با چنین پیشینه‌ای از خواهر موسی (س) صورت گرفته است (ر.ک: آل عمران: ۳۶-۳۵) و با بارداری مریم، بعید نیست کاهنان به حالت استهزاء او را «اخت هارون»، در اشاره به شخصیت مشهور خواهر موسی خطاب کنند.

سمیر به استفاده آباء کلیسای مشهور به مسیحیان سریانی از مفاهیم دوگانه، استناد می‌کند. او می‌نویسد: «بر این اساس، مفسران اغلب دو مریم (در عهد قدیم و جدید) را با هم مقایسه می‌کنند. این ارتباط در موعظه‌های مشهور مسیحی یافت می‌شود.» سمیر با نقل از جوزف هنینگر معتقد است این پیچیدگی باید توضیح داده شود، چنانکه مفسران مسلمان به این اشکال توجه کرده‌اند. آنان توضیح می‌دهند پدر مریم با عمران، پدر میریام متفاوت است. در این بین، خواهر هارون نمایانگر نیاکان نسبی هارون است. بنابراین دو عمران داریم: یکی در عهد قدیم که پدر موسی، هارون و مریم، و دیگری پدر مریم، مادر مسیح است. به اعتقاد سمیر، در عبارت آل عمران، فرد باید تلاقی دو روایت عبری-عربی و عهدی-قرآنی را در نظر بگیرد: (Samir, 2008: 142-3).

صرف نظر از شیوع تفسیر پیش‌نمون‌شناختی در بین مسیحیان که می‌تواند تا حد زیادی آنان را در پذیرش پیچیدگی‌های ظاهری قرآن، متقاعد کند، باید گفت در بینامتنیت قرآن با کتاب مقدس، روابط سه‌گانه‌ای مشتمل بر رابطه ایجابی، سلبی و سکوت برقرار است و با توجه به منشاء الهی واحد ادیان ابراهیمی، نظریه «اقتباس» توجیهی ندارد. ما با متن پیشینی روبه‌رو هستیم که متن پسین در تعامل با آن قرار گرفته و مخاطب را به روابط سه‌گانه مذکور هدایت می‌کند. بر این اساس در شبهه مورد بحث و محل نزاع، روش تفسیر پیش‌نمون‌شناختی به این نتیجه می‌رسد رابطه ایجابی بین متن قرآن و کتاب مقدس برقرار است. در واقع این نوع فهم و تفسیر قرآن تا حدود زیادی مورد قبول خاورشناسان منتقد واقع شده است.

#### ۲.۴ نقد دیدگاه مینگانا

آلفونس مینگانا متأله مسیحی کلدانی از کسانی است که درباره زبان و خط قرآن نظریه‌پردازی کرده و معتقد است؛ دستور زبان و فرهنگ واژگانی قرآن اصالتاً عربی نیست و از زبان سریانی اقتباس شده است. (Mingana, 1927: 78)



او به عدم اصالت زبان عربی در تدوین و خوانش متن قرآن، اعتقاد دارد. (Mingana, 2002: 175-6) این باور توسط خاورشناسانی نقد شده است. (Hoyland, 2008: 52) همچنین در مقالهٔ مستقلی نظریه زبان غیر عربی قرآن بر پایه مستندات و شواهد باستان‌شناختی و استدلال‌های زبان‌شناسان و ادیبان عرب، غیر علمی و غیر موجه اعلام شده و به دیدگاه مینگانا پاسخ داده شده است. (ر.ک: پارسا، ۱۴۰۲) از سوی دیگر چنان که زبان‌شناسان تأکید کرده‌اند؛ استفاده از واژگان غیر عربی حاکی از ضعف قرآن نیست. زبان‌های سامی خاستگاه مشترکی دارند و در ارتباط با هم هستند. تشابه واژگان یا تغییر یک واژه از زبانی مبداء در زبان مقصد، امری مرسوم در زبان‌شناسی است. (الفاخوری، ۱۹۸۷: ۲۳؛ شوقی ضیف، بی تا، ج ۱: ۱۰۴-۱۰۵، فروغ، ۱۹۸۴: ۳۶-۳۸)

#### ۳.۴ خاورشناسان منصف و استفادهٔ آنان از تفسیر نمون‌شناختی

برخی خاورشناسانی منصف که اعتقادی به نظریه اقتباس قرآن از عهدین ندارند نیز به این شبهه و نظایر آن به گونه‌های مختلف پاسخ داده‌اند. مایکل مارکس و استواسر از این دسته هستند. (Marx, 2009: 541-8; Stowasser, 1994: 156) آن‌گلیکا نویورت نیز معتقد است باید قرآن را به‌عنوان اثری دانست که با مخاطبانش گفتگو می‌کند و سنت‌های دینی پیشین را در قالب جدید مطرح می‌کند. نویورت معتقد است رشد درونی متن قرآن و تغییراتی که در درون آن رخ می‌دهد با پیام‌هایی که خواسته است به مخاطبانش ارسال کند، مطابقت دارد. (Neuwirth, 2010: 329-31)

با استفاده از شیوه تحلیل فاربر باید گفت در قرآن کریم موسی از شخصیت‌های پرتکرار است و تعاملی بین موسی و برادرش هارون یا جانشین وی با عیسی یافت نمی‌شود، اما این تعامل، در تفسیر «پیش‌نمون‌شناختی»، در مسیحیت اولیه یافت می‌شود. او می‌نویسد:

برای مخاطبان محو ادبیات اولیه مسیحی، این تفسیر معمول است. تفسیر تیپولوژی براساس نام مشترک، در نوشته‌های آباء کلیسا روشی معمول بود و استفاده از نام رایج باعث تقویت این تفسیر می‌شد. «اریجین» چنین تفسیری را بین «عیسی» و «یوشع» به کار برد، با این ارتباط که نام هر دو به عبری «یشوا» (יֵשׁוּעַ) است. یوشع به عنوان جانشین موسی قبلاً «عیسو» نامگذاری نشده بود و موسی او را «عیسو» خواند و این نام را به عنوان هدیه‌ای برای افتخار و احترام، بسیار بزرگتر از هر تاج پادشاهی به او اعطا کرد. در واقع

عیسو(یوشع) تصویر نجات‌دهنده را داشت و پس از موسی رهبری دین واقعی و خالص را دریافت کرد. (Farber, 2016: 325)

زنون ورونا (متوفی ۳۸۰)، مطابق این تفسیر پیش‌نمون‌شناختی، در خطبه‌های خود می‌نویسد: «در حقیقت عیسو(یوشع) -در عمل و نام- نماینده نوع مسیح(عیسی) بود که نجات‌دهنده واقعی همه شناخته شده است.» (Ibid: 334)

در نمون‌شناختی چهره‌های قبلی تنخ به افراد بعدی، معمولاً ارتباط عیسی (ع) با آن چهره‌ها صورت می‌گیرد. مانند آدم که او را «نوع» عیسی می‌نامند. (رومیان: ۵: ۱۴)

مارکس نیز معتقد است در روایت‌های سریانی، در شجره‌نامه، انتسابی از مریم به هارون و عمران دیده نمی‌شود اما در راستای ماهیت بسیار شاعرانه ادبیات سریانی؛ نمادگرایی، تمثیل و کنایه درباره داستان مریم (س) اشارات واضحی وجود دارد که خادم بودن او در «معبد» خدا از این دست است. (Marx, 2009: 553) در سروده‌های سنت‌افرم (۳۰۶-۳۷۳) در مورد میلاد آمده است: «عصای هارون شکوفا شد و چوب خشک میوه داد. نشان امروز آن این شرح است: این رحم باکره است که زایمان کرده است.» (Ibid) چندین متن دیگر سریانی درباره مریم (س) باعنوان «عصای هارون» در این سبک متنی یافت می‌شود. (Ibid: 553-554)

آباء کلیسا، مریم، مادر عیسی (س) را با مریم خواهر موسی و هارون در یک نوع قرار می‌دهند. یعنی ارتباط معنایی دقیقی بین شخصیت‌ها از جهات مختلف برقرار می‌شود. افراعات(م ۳۴۵)، در کتاب «درباره شکنجه» (On Persecution) می‌نویسد: «مریم در ساحل رودخانه ایستاد در حالی که موسی روی آب شناور بود. و مریم عیسی را به دنیا آورد، پس از آنکه فرشته جبرئیل به او خبر داد»<sup>۶</sup> این همان ارتباط تمثیل‌گونه‌ای است که گویی شخصیت‌ها در عهدجدید بازآفرینی می‌شوند.

مثالی مستقیم از آیات منتخبه کتاب ارمیا وجود دارد و گیوم دای، در مقاله خود با عنوان «قرآن و فرامتنی بودن آن در پرتو نقد صحیح»، بخش زیر را از سندی جالب از قرن هفتم نقل می‌کند: «و پیامبر [ارمیا] گفت: «آمدن او علامتی برای شما و سایر بچه‌ها در پایان جهان خواهد بود. و هیچ کس کشتی پنهان را از صخره بیرون نخواهد آورد، مگر هارون کاهن(کشیش)، برادر مریم.» (Dye, 2015: 13)

اگر ارزیابی دای از سند دقیق باشد، به نظر می‌رسد مسیحیانی تقریباً معاصر قرآن وجود دارند که لقب «برادر مریم» را بر هارون اعمال می‌کنند و این عبارت به مریم مادر عیسی (س) اشاره دارد.

علاوه بر این نوع تفسیر، که می‌تواند خود یکی از دلایل رد نظر برخی خاورشناسان در خصوص اشتباه قرآن درباره «مریم» و «میریام» باشد، نکته دیگر آن است که برخی گفته‌اند نبوت در نسل هارون ادامه می‌یابد.<sup>۷</sup> (شیخ صدوق، ۱۴۰۳: ۱۲۶-۱۲۷؛ شعراوی<sup>۸</sup>، ۱۹۹۱، ج ۱: ۵۷۳) و هارون در مرتبه‌ای قرار می‌گیرد که ابتدا برای مسیحیان و بعد در روایت قرآن اهمیت بیش‌تری می‌یابد. همچنین غافل نخواهیم بود خداوند در سیاق اهل کتاب نقل قول و جمله یهودیان را بازگو می‌کند، یعنی اشعار به نوع کلام آنان دارد که این خود نیز سرنخی در گونه‌شناسی عبارت «اخت هارون» به‌شمار می‌رود. بنابراین اشکال‌های یاد شده، منتفی است.

#### ۴.۴ احادیث منقول در باب «اخت هارون»

شبهه دیگری که پیش از این اشاره شد، عدم صراحت در گفتار و سیره نبوی در این باره است، درحالی که یکی از ادله کاربرد واژه «اخت» به معنای نیاکان، وجود روایاتی در این زمینه است. روایتی در برابر اشکال مسیحیان نجران از پیامبر نقل شده است که: «إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْمُونَ بَأَنْبِيَاءِهِمْ وَالصَّالِحِينَ قَبْلَهُمْ» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۴۵) این روایت در منابع حدیثی سنی و شیعه بیان شده است و عبارت آن در صحیح مسلم به شرح زیر است:

حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، وَمُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نُمَيْرٍ، وَأَبُو سَعِيدٍ الْأَشْجِيُّ وَمُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى الْعَمَرِيُّ - وَاللَّفْظُ لِابْنِ نُمَيْرٍ - قَالُوا حَدَّثَنَا ابْنُ إِدْرِيسَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ سِمَاكِ بْنِ حَرْبٍ، عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ وَاثِلٍ، عَنِ الْمُغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ، قَالَ لَمَّا قَدِمْتُ نَجْرَانَ سَأَلُونِي فَقَالُوا إِنَّكُمْ تَقْرءُونَ يَا أختَ هَارُونَ وَمُوسَى قَبْلَ عِيسَى بَكْدًا وَكَدًّا . فَلَمَّا قَدِمْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْمُونَ بَأَنْبِيَاءِهِمْ وَالصَّالِحِينَ قَبْلَهُمْ. (مسلم، بی تا، حدیث ۲۱۳۵)

حدیث دیگری از عایشه در تفسیر طبری آمده است:

حدیثی یعقوب، قال: ثنا ابن علیة، عن سعید بن أبی صدقة، عن محمد بن سیرین، قال: نبئت أن كعبا قال: إن قوله: "يا أختَ هَارُونَ" ليس بهارون أختي موسى، قال: فقالت له عائشة: كذبت، قال: يا أم المؤمنين، إن كان النبي صلى الله عليه وسلم قاله فهو أعلم وأخبر، وإلا فإني أجد بينهما ست مئة سنة. قال: فسكتت (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۶: ۵۸)

حدیث اخیر شاهی برای پیروان این دیدگاه است که قرآن می‌خواهد بگوید: «مریم، مادر عیسی و خواهر هارون است»، حتی اگر این روایت معتبر باشد (مسلم بن الحجاج، بی تا،

ج ۳: ۱۶۸۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴: ۲۷۰) این نظر را تایید نمی‌کند. در واقع عایشه گمان می‌کرد مریم واقعاً خواهر هارون، برادر موسی است که کعب آن را تصحیح کرد. سکوت عایشه بیان‌گر تفسیر شخصی اوست. با توجه به سیاق مسیحی داستان مریم، انتظار می‌رود درک صحیح از مقصود قرآن، مستلزم آگاهی از سنت کتاب مقدس باشد. به نظر می‌رسد نظر کعب نیز از درک خود او از سنت اسرائیلی نشأت می‌گیرد. اگر او به سنت مسیحی آشنا بود، با گونه‌شناسی الهیات مسیحی، به تعبیر درست می‌رسید.

ابن کثیر گزارش می‌دهد:

«علی بن ابی طلحه والسدی قیل لها یاأختَ هَارُونِ أی أخی موسی وکانت من نسله"، کما یقال

للتیمی یا أختا تمیم وللمضری یا أختا مضر» (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۵: ۲۰۰)

بنابراین درمی‌یابیم در کاربردهای سامی باستان، نام شخص اغلب با نام نیای معروف یا بنیان‌گذار قبیله مرتبط بود. به عنوان مثال، گاهی مردی از قبیله بنوتمیم با «پسرتمیم» یا «برادرتمیم» یاد می‌شد. چون مریم متعلق به طبقه کاهنان بود و چون از تبار هارون، برادر موسی بود، او را «خواهر هارون» می‌نامند، مانند دخترعمویش ایصابت، همسر زکریا. بنابراین، این خطاب، اشتباه تاریخی نیست، بلکه با زبانهای سامی و عرف قدیمی هماهنگی کامل دارد.

حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ درباره آزار عایشه نسبت به «صفیه» از همسران پیامبر مطرح شده است که حکایت از استفاده از نام و کنیه نیاکان دارد. مورخان قدیمی، یهودیان را عرب نمی‌دانستند. ابن هشام هنگام صحبت در مورد همسران پیامبر می‌گوید: «صفیه از زنان عرب نبود.» عایشه صفیه را به دلیل سابقه یهودی بودن فرومایه می‌دانست، از این رو محمد او را دلداری داده و به او مشاوره داد: «پس بگو پدر من هارون و عموی من، موسی بود.» (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۶: ۱۷۰)

#### ۵.۴ کاربرد واژه خواهر یا برادر در عهدجدید و قرآن کریم

در استدلال خاورشناسان مبنی بر اینکه قرآن مفهوم ثانویه نیاکان خوش نام را از واژه «خواهر» یا «برادر» نمی‌دانسته است باید گفت این دو واژه در متون مقدس، در معنای حقیقی و مجازی به کار رفته است. این کاربرد در عهدجدید عبارت است از:

- در کاربرد حقیقی، به معنای دقیق خواهر (ἀδελφός adelphas)

تحلیل انتقادی دیدگاه خاورشناسان دربارهٔ ... (اعظم سادات شبانی و فروغ پارسا) ۸۵

- یا برادر (adelphous) (ر.ک:متی: ۱۹: ۲۹؛ لوقا: ۱۰: ۳۹؛ یوحنا: ۱۱: ۱، ۳، ۵، ۱۹: ۲۵؛ رومیان: ۱۶: ۱۵)

- در کاربرد مجازی به معنای نیاکان و بستگان و در احترام به آنان (adelphai) (ر.ک: متی: ۱۳: ۵۶؛ مرقس: ۶: ۳) همچنین واژه برادر نیز در همین معنای ثانویه به کار رفته است. (ر.ک:متی: ۱۳: ۵۵؛ مرقس: ۶: ۳)

«اخ» در قرآن در هفت وجه به کار رفته است: در معنای حقیقی برادر یا خواهر از یک پدر (ر.ک: النساء: ۱۱، ۱۲، ۲۳، ۱۷۶؛ المائده: ۲۵، ۳۰، ۳۱؛ الاعراف: ۱۱۱، ۱۴۲، ۱۵۰، ۱۵۱)؛ در معنای مجازی شامل: هم‌قبیله‌ای (الاعراف: ۶۵) به معنای برادری در دین و تولی (الحجرات: ۱۰؛ التوبه: ۱۱) برادری در شرک و ولایت باطل (الاعراف: ۲۰۲) محبت و مودت (الحجر: ۴۷) رفیق و صاحب (ص: ۲۳) شبیه کسی و مثل و مانند (الاعراف: ۳۸) (کیسی، ۱۴۳۸، ج ۱: ۱۷۸) هم‌چنین در رابطه با شیطان نیز این اخوت وجود دارد. (ر.ک: الاسراء: ۲۷) به نظر می‌رسد همنشینی الفظ پدر، فرزند و برادر، به آباء و نسل افراد و هدایت برخی از آنان اشاره دارد. (ر.ک: الانعام: ۸۷)

بنابراین گاه به کسی متعلق به یک قبیله، «اخ» گفته می‌شد که منظور معنای حقیقی نبود بلکه صحبت از هم‌قبیله‌گی بوده است. گاه نیز اخ همنوع بوده است. مانند «إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ نَعْجَةً» (ص: ۲۳) در اصل «اخ» به چوب یا عمودی گفته می‌شد که در زمین فرو می‌کردند و حیوان را به آن محکم با طناب می‌بستند تا فرار نکند و چون این حیوان ملازم آن عمود می‌شد، به آن میله «اخ» می‌گفتند. از این رو هرکس ملازمی با فردی دیگر در دین یا کفر داشت یا حتی همسفر می‌شد، به آن «اخ» می‌گفتند. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۲۳)

ابن منظور به نقل از ابن زجاج در لسان العرب «اخ» را به معنی طلب چیزی می‌داند یعنی دو نفر که یک مقصد و هدف داشته باشند «اخ» نامیده شده‌اند. به این معنا «اخت هارون» کسی است که «پیرو هارون» است. (همان: ۲۰)

«اخت» نیز در معانی مشابه «اخ» به کار رفته و تنها مونث واژه «اخ» است. (کیسی، ۱۴۸۳، ج ۱: ۱۷۸) تمام معانی مجازی «اخ» برای «اخت» نیز در نظر گرفته می‌شود. (ر.ک: جوهری، ۱۳۷۶، ج ۶: ۲۲۶۵) و تنها وقتی موضوع مونث است، واژه «اخت» استفاده می‌شود. «اخت» معنای «اخوت» را در دل خود دارد. (همانجا؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۲۲)

علامه طباطبایی در شرح آیه «و الی عاد اخاهم هود...» می‌گوید:

واژه اخ به معنای برادر، هم در معنای تکوینی آن یعنی برادر خونی یا رضاعی با تایید شرع و برادرخوانده با تایید قانون است؛ هم در معنای استعاری به هر شخصی که با قوم، شهر، صنعت یا سجیه‌ای نسبت داشته باشد، اطلاق می‌شود. مانند «اخوینی تمیم برادر قبیله بنی تمیم» یا «اخوینرب برادر ینرب» یا «اخوالحیاکه برادر پشم‌بافی» یا «اخوالکرم برادرکرامت»، از این نمونه هستند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸: ۱۷۶)

در آیات متعددی برادر به معنای فرد امین قوم است و معنای حقیقی ندارد. (ر.ک: الاعراف: ۶۵، ۷۳، ۸۵) در فرهنگ عرب و قرآنی، نسبت دادن از طریق واژه برادر یا خواهر مصطلح است؛ بنابراین اگر مردی را بخواهند به خاندانی نسبت دهند، می‌گویند: «یا اخا فلان» (همان) صرف نظر از نسب خونی، نسبتهایی به شکل خواهر یا برادر نیز داده می‌شود که معنای حقیقی آن مدنظر نیست، مانند اطلاق برادران و خواهران دینی در مسیر اشتراک دینی و معنوی به جامعه مسلمانان. (ر.ک: البقره: ۱۷۸، ۲۲۰؛ آل عمران: ۱۰۳، ۱۵۶، ۱۶۸)

با این تعاریف، «اخ» به معنای «هم‌کیش» در گفتگوی موسی (ع) با خدا آشکار می‌شود، جایی که موسی به خداوند می‌گوید هارون برادر من است. برادری هارون امری نبود که موسی بخواهد خداوند را از آن مطلع کند، بلکه بیانگر همراهی هارون با موسی در مسیر دینی آنان بود. در ادعیه و زیارات هم امام علی (ع) برادر پیامبر ﷺ خطاب شده است مثل: «وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَبْدُ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِ اللَّهِ» (ر.ک: قمی، ۱۴۱۸: ۴۸۰) فخر رازی هم در تفسیر خود از قول وهب در خصوص خطاب برادری یوسف به بنیامین (یوسف: ۶۹) آورده است: «وهب گفت: مقصود این نبود برادرش از نسب اوست، بلکه منظور این بوده بگوید من در جایگاه برادری تو خواهم بود تا انس‌گیری و از تنهایی دچار وحشت نشوی.» (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۴۸۵)

این استعمال مجازی، ادعای خاورشناسان را مبنی بر عدم کاربرد مجازی واژگان خواهر و برادر به چالش می‌کشد.

#### ۶.۴ مریم، اخت هارون

با مراجعه به تفاسیر قدیمی‌تر به این معنا برمی‌خوریم هارون از افراد برتر و خوب بنی اسرائیل است و اخت هارون برای مریم (س) تنها استعاره است. (ر.ک: فراء، بی‌تا، ج ۲: ۱۶۷) اما مفسرانی این استعاره را به معنای شخص بدنامی به نام هارون و هم عصر با مریم در نظر گرفته‌اند که به کنایه از آن یاد و تشبیه شده است. (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۵۰) به هر حال

هر دو حالت در قالب استعاره و نه معنای واقعی به کار رفته است. شاهد این نظر خطبه ۳۵ نهج البلاغه است و به بیتی استشهد شده که مخاطبش «اخو هوازن» خوانده شده است و منظور «درید بن صمه» از قبیله هوازن است. (ر.ک: ابن میثم بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۸۸)

در بینامتنیت قرآن کریم و کتاب مقدس درباره هارون مشاهده می‌شود هارون به معنای «خوانده شده» و «بنده مقرب خداوند» است، بنابراین در خوش‌نامی او تردیدی وجود ندارد. در عهد جدید آمده است: «کسی این مرتبه را برای خود نمی‌گیرد، مگر وقتی که خدا او را بخواند، چنان‌که هارون را». (عبرانیان: ۵: ۴) این فراز، از رئیس کاهنان و مقام معنوی آنان صحبت می‌کند و از هارون مثال آورده می‌شود. بنابراین مثال از او در فرهنگ مسیحیت رایج بوده است. قداست و مقام عظیم هارون در نمادی چون «عصای هارون» نیز مطرح بوده است. (ر.ک: عبرانیان: ۹: ۴) بر این اساس، مثال از هارون دیگر عجیب نیست. به نظر می‌رسد، حتی اگر ابهامی در انتساب مریم به هارون وجود داشته باشد، مثال زدن از فردی به فرد دیگر می‌تواند معنا یابد.

از سوی دیگر در عهد جدید، حضرت مریم تک فرزند نبوده و با صراحت به خواهر حضرت مریم اشاره شده است: «او پای صلیب عیسی، مادر او و خواهر مادرش، مریم زن کلوبا و مریم مجدلیه ایستاده بودند.» (یوحنا: ۱۹: ۲۵) چه بسا بر خلاف تک فرزند پنداری حضرت مریم ایشان حداقل خواهری داشته‌اند، بنابراین امکان داشتن برادری به نام هارون می‌تواند دور از ذهن نباشد، اما تصریحی به آن نشده است. برخی مفسران این احتمال را در تفاسیر خود آورده‌اند. (ر.ک: فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۱: ۵۳۰؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۶: ۶۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۷۹۲؛ طوسی، بی‌تا، ج ۷: ۱۲۲)

آن زمان رسم بود در روز هشتم و بعد از سنت ختنه، خویشان نامی بر فرزند انتخاب می‌کردند و معمولاً نام یکی از بزرگان خاندانش را بر وی می‌گذاشتند. به عنوان نمونه، زمان تولد یحیی، خویشان در روز هشتم جمع شدند و می‌خواستند نام پدرش زکریا را بر وی بگذارند. (لوقا: ۱: ۵۹) بنابراین، طبیعی است در میان تبار هارون افراد زیادی به همین نام نامیده شوند و ممکن است از آنجا که هارون برادر مریم باکره شخصیت موجهی شناخته می‌شد، مریم را با ذکر نام برادرش مذمت کردند. عبدالرحمن بدوی می‌نویسد:

اگرچه این احتمالی غیرممکن نیست، ولی در هیچ سند دیگری نیامده است، اما اشکالی ندارد مریم -مادر عیسی- برادری به نام هارون داشته باشد. هارون یکی از اسامی

شایع و رایج در میان یهودیان است و یکی از آنها برادر مریم بوده است که مردی باتقوا و نیکوکار بوده است (بدوی، ۱۳۸۹: ۲۴۷).

به هر حال اگر خلاف این نظریه ثابت نشود و شواهدی در رد آن موجود نباشد، حداقل در حد فرضیه می‌توان آن را دید.

در نگاهی دیگر، متوجه می‌شویم قرآن مریم را «اخت هارون» خطاب نکرده است و این عبارت توسط یهودیان اطراف مریم که ظاهراً در معبد بوده‌اند به کار رفته و قرآن از زبان آنان نقل قول می‌کند. بنابراین باید دید چرا آن افراد مریم را با این عبارت خوانده‌اند که در تفسیر پیش‌نمون‌شناختی مسیحیت می‌تواند معنا یابد.

#### ۷.۴ مریم دختر عمران

آیه دیگر مورد استناد خاورشناسان، یادکردن مریم (س) به دختر «عمران» است (التحریم: ۱۲) و هم‌نام‌بودن نام پدر موسی (ع) با نام پدر حضرت مریم، تصور خطای قرآنی را قوت می‌بخشد. در قرآن کریم «مریم» دختر عمران نامیده می‌شود: «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ» (التحریم: ۱۲) در هیچ فقره از تورات نام پدر موسی (ع)، «عمران» ذکر نشده، بلکه «عمرام»  $\text{am-rām}$  (ر.ک: خروج: ۶: ۲۰؛ اول تواریخ: ۶: ۳) به معنای آن «قوم خدای تعالی» آمده است، ولی واژه «عمران»  $\text{am-rām}$  به معنای «آبادانی» است و در زبان عبری از ساختار متفاوتی برخوردار است. با این استدلال، ادعای این اشتباه می‌تواند مناقشه‌برانگیز باشد. از سویی، در انجیل با کاربرد «فرزند» از کسی که واقعا پدر وی نیست، روبرو می‌شویم. در متی، عیسی (ع) پسر یوسف، همسر مریم معرفی شده (متی: ۱: ۱) و در کاربرد دقیق نَسَبی به کار نرفته است. بنابراین می‌توان این احتمال را داد در قرآن نیز در نقل از اهل کتاب، کاربرد دقیق نَسَبی مطرح نبوده است. کاربردهای قرآنی «اخت هارون» و «بنت عمران» را می‌توان با توجه به معنای وسیع‌تر، اصطلاحات خویشاوندی خواند. «مراد» اشاره می‌کند:

در قرآن نیز اصطلاحات بن و بنت (و مشتقات آنها) فقط به معنای «فرزند مستقیم» نیست، بلکه در معنای «نسل» نیز استفاده می‌شود، مانند «بنی اسرائیل» در آیات ۲: ۲۴۶؛ ۴۹: ۳ و ۵: ۷۲، که نشان می‌دهد بنی اسرائیل به عنوان قوم و نه تنها فرزندان مستقیم یعقوب به کار رفته و بنی آدم در آیات ۳۵: ۷، ۷۰: ۱۷ و ۶۰: ۳۶ و ۷۰: ۱۷، به همه انسان‌ها و نه فقط فرزندان مستقیم آدم اشاره دارد. در ۲۸ مورد، آنها یا به رابطه قبیله‌ای اشاره می‌کنند (۷: ۷۳)، یا یک پیوند مذهبی (۳: ۱۰۳)، یا یک رابطه جد یا پیشینی (۷: ۳۸). بنابراین نمی‌توان بر اساس



## تحلیل انتقادی دیدگاه خاورشناسان دربارهٔ ... (اعظم سادات شبانی و فروغ پارسا) ۸۹

رایج‌ترین معنای اصطلاح بنت و اخت، استدلال کرد استفاده از آنها در قرآن تنها نشان‌دهنده دختر و خواهر است. واضح است که آنها به این دو معنا محدود نمی‌شوند.  
(Mourad, 2008: 165)

مراد معتقد است این مسئله به طور کامل حل نمی‌شود. شکاف در پاسخ معمولی به این سؤال جایی است که مادر مریم «همسر عمران» نامیده می‌شود. می‌توان «خواهر هارون» و «دختر عمران» را با توسل به اصطلاحات نسب و خویشاوندی که در زبان عربی و عبری یافت می‌شود توضیح داد؛ اما نمی‌توان به مادر مریم «همسر عمران» پاسخ داد. (ر.ک: آل عمران: ۳۵) و می‌نویسد: «اشاره به مادر مریم به عنوان همسر عمران اشاره به عمران کتاب مقدس است به این معنا که مادر مریم با یکی از فرزندان وی ازدواج کرده است.» (Ibid) لقب «همسر عمران» به مادر مریم می‌تواند نشأت گرفته از همان اصلی باشد که در تفسیر پیش‌نمون‌شناختی به آن اشاره شد. «هارون برادر مریم» همان قدر می‌تواند کاربرد مجازی باشد که «مریم خواهر هارون». البته اگر تنها یک هارون و یک مریم در عهدین سراغ داشته باشیم.

### ۸.۴ مریم منتسب به نسل یهودا یا لاوی

در رابطه با نسل حضرت مریم (س) مناقشه‌ای وجود دارد. برخی ایشان را منتسب به لاوی و عده‌ای دیگر منتسب به یهودا می‌کنند. اکثر مسلمانان او را از نسل لاوی که به هارون برمی‌گردد، می‌دانند. در این بخش ضمن ارائه نظریاتی چند، به بررسی متنی این دلائل می‌پردازیم. بیضاوی معتقد است او را خواهر هارون می‌نامند چون از نسل لاوی است. (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۱۳) با نگاهی به عهدجدید، سرخ‌هایی از این انتساب به دست می‌آید. این دلیل به شرح زیر است:

در لوقا آمده است: «...کاهنی زکریا نام از فرقه ایبا بود که زن او از دختران هارون بود و ایصابات نام داشت.» (لوقا: ۱: ۵) اصطلاح دختران هارون، استعاره و به مفهوم «تبار» است. (Curtin, 2019, p.14, 18, 21) ایصابات، مادر یحیی از تبار هارون است و مطابق انجیل لوقا، او همسر زکریا و خویشاوند (συγγενίς) خونی و سببی مریم (س) می‌باشد، بنابراین تبار مریم از هارون ثابت می‌شود. به خصوص آنکه، زمانی که فرشته به مریم علاوه بر مژده تولد عیسی، خبر از تولد یحیی را نیز می‌دهد، این اشاره خویشاوندی آشکار است: «و اینک ایصابات از خویشان تو نیز در پیروی به پسری حامله شده و این ماه ششم است، مر او را که نازاد می‌خوانند.» (لوقا: ۱: ۳۶) همان‌طور که مشاهده می‌شود ایصابات همسر زکریا از خویشان

حضرت مریم به شمار آمده است و آیاتی پیش از آن به تبار ایصابات یعنی هارون (لوقا: ۱: ۵) اشاره می‌کند. بنابراین، به نظر می‌رسد مریم و ایصابات از یک طایفه و نسبشان یکی باشد. در عهدجدید نیز پولس به یکی از خادمه‌های کلیسا می‌گوید «خواهر ما فیبی» (رومیان: ۱۶: ۱) حال ممکن است مطرح شود با پذیرش این دلیل، مریم باید «بنت هارون» خطاب می‌شد نه «اخت». به نظر می‌رسد، صرفنظر از چنین برداشت ظاهراً صحیح، ارتباط نسبی مریم با هارون امر مهم‌تری است.

با وجود مناقشه‌ای در انتساب مریم به سبط یهودا یا لوی (چون در عبرانیان: ۷: ۱۴، انتساب عیسی (ع) به سبط یهودا داده شده است)؛ وجود همین دو آیه (لوقا: ۱: ۵، ۳۶) کفایت می‌کند تا اشکال‌های خاورشناسان را بر سر خطای قرآنی به چالش بکشد، اما آنان معتقدند نسب مریم در کتاب لوقا آمده است و در عبرانیان: ۷: ۱۴ از طریق عیسی (ع) به آن تصریح شده است. در این باره باید گفت لوقا: ۳: ۳۳، اعلام می‌کند «برحسب گمان خلق»، نسب عیسی (ع) به یهودا برمی‌گردد و یهودا از نیاکان داود (ع) است. لوقا: ۳: ۳۱، عبارت «برحسب گمان خلق»، مناقشه‌برانگیز است. در شروع آمده است: «و حسب گمان خلق پسر یوسف بن هالی ابن متات...» که این جمله نیز ابهام‌برانگیز است. چون فرض بر آن شده که عیسی (ع) پسر یوسف همسر مریم است؛ در حالی که درست آن است که نسب با مریم شروع شود (عیسی بن مریم بن ...).

استناد به متی: ۲۱: ۹ درباره خطاب «هوشیعیانا پسر داوود...» به عیسی (ع) دلیل نسب او از داود نیست. نسب عیسی از مادر ایشان روشن می‌شود. بنابراین رساندن عیسی به داود از طریق ناپدری مخدوش است. اما برخی علت این انتساب را این‌گونه بیان کرده‌اند که یهودیان عیسی را به دلایلی مسیحی‌های موعود نمی‌دانستند و یک دلیل از نسل داود (ع) نبودن وی بود. بنابراین از سوی مسیحیان، در متی و لوقا نسب‌نامه‌ای از طرف ناپدری او یوسف نجار برای مقابله با دیدگاه یهودیان در نظر گرفته شد که البته با یکدیگر هماهنگ نیست و باعث مشکلاتی در تفسیر مفسران اناجیل شده است. (توفیقی، ۱۳۹۸: ۱۴۲، ۲۹۰)

برخی پدر نداشتن حضرت عیسی (ع) در مسیحیت را مسئله‌ای اعتقادی می‌پندارند که فقط از انجیل معلوم شده و آن حضرت به حسب ظاهر پدری به نام «یوسف نجار» داشته است. (متی: ۱۳: ۵۵؛ لوقا: ۴: ۲۴) ولی همین قضیه در قرآن مجید به صورت مسئله‌ای تاریخی نقل شده است حاکی از اینکه مردم بر سر حضرت مریم که شوهری نداشته است، فریاد کشیده و او را به بی‌عفتی متهم کرده‌اند. (همانجا)

#### ۹.۴ تاریخ‌گذاری نزول آیات مربوط به واژگان «هارون» و «اخت»

بیش از این اشاره شد برخی خاورشناسان معتقدند عدم آگاهی حضرت محمد ﷺ، از عصر متفاوت مریم با هارون و تشابه اسمی خواهر هارون با مریم مادر عیسی، سبب شده پیامبر این دو را یکسان بیندارد. برخی استدلال‌های به کار برده شده این است که حضرت محمد ﷺ این اطلاعات را از اهل کتاب به صورت جسته گریخته به دست آورده و چنین اشتباه فاحشی را مرتکب شده است، بنابراین، قرآن کلام وحی نیست، بلکه گفته‌های محمد و اطلاعات به‌دست آمده از طریق مسیحیان و یهودیان ساکن عربستان است که طی ۲۳ سال تکامل یافت و به مرور به سمت اطلاعات درست‌تر رفت، (silas) اما جورج سیل می‌گوید محمد می‌دانست موسی و هارون صدها سال بر مریم و عیسی مقدم بودند و اگر واقعا او خواهر هارون برادر موسی تلقی می‌شد، کل قرآن و مذهب اسلامی مورد تردید قرار می‌گرفت. این بدان معناست که اگر این اشکال را بپذیریم، محمد تا این اندازه از تفاوت این دو نسل بیخبر بوده است! یا اینکه محمد به مرور و با گذر زمان اطلاعات دقیق یافته است. (Sale, 2010: 251)

علاوه بر نظر سیل، با بررسی ترتیب نزول سوره‌ها، بر این نظریه خط بطلان کشیده می‌شود. در ترتیب نزول قرآن متوجه می‌شویم، سُورِی که اطلاعاتی درباره موسی و برادرش هارون می‌دهد پیش از سوره مریم بوده و تلقی بی‌اطلاعی پیامبر اکرم ﷺ از سوی خاورشناسان اشتباه است. با کلیدواژه «هارون» و «اخ» به چندین سوره می‌رسیم که با توجه به ترتیب نزول و مکی و مدنی بودن آن‌ها، فرضیه آنان رد می‌شود. این شمارش در مورد آیاتی با واژه هارون و اخ هست؛ در حالیکه از طرق دیگری نیز می‌توان به آیات مرتبط با عصر موسی (ع) دست یافت و رد این فرضیه را قوام بخشید. سوره مریم طبق نظر ابن عباس **چهل و چهارمین** سوره و طبق نظر نولدکه **پنجاه و هشتمین** سوره نازل شده است. ترتیب برخی آیات نازل شده پیش از سوره مریم، با کلید واژه اخ و هارون به شرح زیر است: (ر.ک: معرفت، ۱۳۹۱: ۷۸-۷۹)

ترتیب نزول بر اساس نظر ابن عباس و نولدکه

نام	سوره و آیه	نص سوره	ترتیب ابن عباس	ترتیب نولدکه	مکی مدنی
هارون	مریم ۲۸	یا اخت هارون	۴۴	۵۸	مکی
	الشعرا ۱۳ و ۴۸	فارسل الی هارون رب موسی و هارون	۴۷	۵۶	مکی
	فرقان ۳۵	وجعلنا معه اخاه هارون نبیا	۴۲	۶۶	مکی

مکی	۵۵	۴۵	قال یا هارون ما منعک هارون اخي	طه ۹۲ طه ۳۰	
مکی	۷۹	۴۹	واخي هارون هو افصح مني لسانا	القصص ۳۴	
مکی	۸۷	۳۹	وقال موسى لآخيه هارون اخلفني	الاعراف ۱۴۲	
مکی	۵۰	۵۶	سلام علی موسی و هارون	الصافات: ۱۱۴، ۱۲۰	
مکی	۸۴	۵۱	ثم بعثنا من بعدهم موسى و هارون..	یونس ۷۵	
مکی	۸۹	۵۵	یوسف و موسی و هارون ...	الانعام ۸۴	
مکی	۵۵	۴۵	هارون اخي	طه: ۳۰، ۴۰، ۴۲، ۷۰ ۹۰	اخ
مکی	۸۷	۳۹	وَ قَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي	الاعراف: ۱۴۲، ۱۵۰ ۱۵۱	
مکی	۵۷	۳۸	ان هذا اخي له تسع...	ص ۲۳	

گرچه، در برخی سوره اختلاف بین ترتیب نزول ابن عباس و نولدکه مشاهده می‌شود، اما از برآیند این دو ترتیب و مقایسه آن با آیه کلیدی جهت تقدم و تاخر موضوع، متوجه می‌شویم پیش از آیه مورد مناقشه، اطلاعاتی درباره هارون برادر موسی (ع) در قرآن کریم داده شده است.

## ۵. نتیجه گیری

با بررسی دقیق جوابهایی از گذشته تا کنون، در این پژوهش مشخص شد پاسخهای پیشین از اتقان برخوردار بوده اما با مراجعه به کتاب مقدس و بهره از شیوه‌های تفسیری مسیحی، از جهات دیگری می‌توان موضوع را تحلیل کرد.

«اخي هارون» و «بنت عمران» در قرآن کریم با توجه به کاربرد آن‌ها در معنای حقیقی و مجازی قابل فهم است.

در کاربرد مجازی، اطلاعات تاریخی، هرچند مختصر، خواننده را به درک معنای ثانویه این مفاهیم هدایت می‌کند. در این راستا بر اساس یافته‌های پژوهش، «تفسیر پیش‌نمون‌شناختی» در همراهی فهم معنای مجازی بی‌تاثیر نبود. گرچه مفسری از شیوه تفسیری پیش‌نمون‌شناختی نزد مفسران مسیحی، بهره نبرده است، اما به کارگیری این روش تفسیری در فهم و شناخت مفسر از واژگان به کار رفته درباره حضرت مریم بی‌فایده نیست.

سیاق یهودی-مسیحی، در قالب بازگویی قصص پیشین نشان می‌دهد در کاربردهای سامی باستان، نام شخص اغلب با نام نیای معروف یا بنیانگذار قبیله مرتبط بود. بر اساس موارد

## تحلیل انتقادی دیدگاه خاورشناسان دربارهٔ ... (اعظم سادات شبانی و فروغ پارسا) ۹۳

مذکور، متوجه می‌شویم چون مریم متعلق به طبقه کاهنان و از این رو از تبار هارون، برادر موسی بود، او را «خواهر هارون» نامیده‌اند، مانند ایصابت دختر عموی مریم (س) و همسر زکریا. بنابراین با زبانهای سامی و عرف قدیمی هماهنگی کامل دارد. در یک تقسیم‌بندی و تلفیقی از نظر مطروح در این پژوهش و نظریات پیشین، نتایج زیر به دست آمد:

۱. وجود مواردی از کاربرد واژه خواهر و برادر در قرآن کریم و کتاب مقدس در معنای مجازی.
۲. عدم اثبات یا رد تک فرزندی حضرت مریم (س) و در نتیجه متزلزل بودن قطعیت یا عدم قطعیت داشتن برادری به نام هارون.
۳. نام‌های متفاوت پدر هارون در کتاب مقدس (عمرام) و قرآن (عمران)
۴. مورد مناقشه بودن انتساب قطعی مریم (س) به نسل یهودا بر اساس اطلاعات عهد جدید.
۵. روشنگری آیات مکی و مدنی بر ابطال توهم ناآگاهی پیامبر ﷺ در تمایز اعلام هارون، مریم و عمران.
۶. تاکید بیشتر احادیث مستقیم و غیرمستقیم بر معنای مجازی واژه «اخت» در آیه ۲۸ سوره مریم.

## پی‌نوشت‌ها

۱. حرف T مخفف تورات، N مخفف مجموعه کتابهای نیبیم و Ch مخفف کتابهای کتیبیم است. (Tenach)
2. <https://www.answering-islam.org/Silas/mary.htm>
۳. این مقاله متناسب به نشریه و زمان خاصی نیست، اما نسخه پی دی اف آن، بدون ارجاع به زمان و مکان در دسترس است و به پژوهشگاه دانش‌های بنیادی اشاره شده است.
4. <https://www.answering-islam.org/Silas/mary.htm>
۵. در مورد عهدین این تفسیر در ذهن مفسر مسیحی روی می‌دهد، نه مفسر یهودی که عهد جدید را قبول ندارد. مفسر یهودی اگر شباهتی ببیند آن را دال بر عدم اصالت عهد جدید و اقتباس آن از عهد قدیم می‌داند.
6. "XXI. On Persecution", Demonstrations of Aphrahat. Syriac Text taken from Parisot

۷. «إِنَّ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ كَانَا نَبِيَّيْنِ مُرْسَلَيْنِ أَخَوَيْنِ فَجَعَلَ اللَّهُ النَّبُوَّةَ فِي صُلْبِ هَارُونَ دُونَ صُلْبِ مُوسَىٰ»: موسى و هارون (ع) دو برادر و هر دو از پیامبران مرسل بودند، اما خداوند نبوت را در نسل هارون قرار داد.

۸. و شاءت إرادة الله سبحانه أن تستمر الرسالة في ذرية هارون وليس في ذرية موسى . . والرسالة ليست ميراث

### کتابنامه

قرآن کریم، ۱۴۱۵هـ، ق، ترجمه مهدی فولادوند، تهران، دارالقرآن الکریم.

کتاب مقدس، ۲۰۱۶م، انتشارات ایلام.

ابن اثیر (أبو الحسن علی بن أبی الکریم محمد بن محمد بن عبد الکریم بن عبد الواحد الشیبانی الجزری، عزالدین ابن الأثیر)، ۱۴۰۹هـ، أسد الغابة، بیروت، دارالفکر.

ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹هـ، ق، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴هـ، ق، لسان العرب، بیروت، دارصادر.

الفاخوری، حنا، ۱۹۸۷، تاریخ الأدب العربی، بیروت، المکتبه البولیسه.

بحرانی، ابن میثم، ۱۳۷۵هـ، ق، شرح نهج البلاغه، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی.

بدوی، عبدالرحمن، ۱۳۸۹هـ، ش، دفاع از قرآن در برابر آرای خاورشناسان، مشهد، انتشارات به نشر.

براشر، میسر، ۱۳۹۹هـ، ش، قرآن و نخستین ادوار تفسیری شیعه امامیه، مترجمان: نصرت نیلساز، پریسا عسگری، تهران، انتشارات حکمت.

بیضاوی، ۱۴۱۸هـ، ق، تفسیر البیضاوی، بیروت، المجموعة: مصادر التفسیر عند السنة تحقیق، دارالفکر.

پارسا، فروغ، زهرا نبئی، ۱۴۰۲، تحلیل انتقادی دیدگاه برخی خاورشناسان درباره عربی بودن زبان قرآن کریم، پژوهش های قرآن و حدیث، دوره ۵۶، شماره ۱.

توفیقی، حسین، ۱۳۹۸هـ، ش، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران، انتشارات سمت.

دورانت، ویل، ۱۳۷۸هـ، ش، تاریخ تمدن، تهران، انتشارات علمی فرهنگی تهران.

رازی، فخرالدین، ۱۴۲۰هـ، ق، مفاتیح الغیب، بیروت، دارالترتیب العربی.

سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، بی تا، بحر العلوم، بدون مشخصات (در نرم افزار جامع التفاسیر نور)

سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴هـ، ق، الدر المنثور فی تفسیر المانور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

## تحليل انتقادی دیدگاه خاورشناسان دربارهٔ ... (اعظم سادات شبانی و فروغ پارسا) ۹۵

شعراوی، الشیخ محمد متولی، ۱۹۹۱م، *خواطری حول القرآن الکریم* (تفسیر شعراوی)، قاهره، الازهر مجمع البحوث الاسلامیه.

شوقی ضیف، بی تا، *تاریخ الادب العربی العصر الجاهلی*، دارالمعارف، مصر.

طباطبایی، محمد حسین، ۱۴۱۷ه.ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ه.ش، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۲ه.ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفه.

طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، داراحیاء تراث العربی.

فراء ابو زکریا یحیی بن زیاد، بی تا، *معانی القرآن*، مصر، دارالمصر للتعریف و ترجمه.

فروخ، عمر، ۱۹۸۴، *تاریخ الادب العربی*، دارالعلم للملایین، بیروت، الطبعة الخامسة.

قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷ه.ش، *تفسیر قمی*، قم، دارالکتاب.

قمی، شیخ عباس، ۱۴۱۸ه.ق، *مفاتیح الجنان*، بیروت، دارمکتبه الرسول الاکرم.

کیسی، احمد عبید، ۱۴۳۸ه.ق، *موسوعه الكلمه و اخواتها فی القرآن الکریم*، بیروت، دارالمعرفه.

مسلم بن الحجاج، ابوالحسن القشیری، بی تا، (صحیح مسلم) *المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل الی رسول الله ﷺ*، محقق، عبدالباقر، محمد فؤاد، بیروت، داراحیاء التراث العرب.

معرفت، محمد هادی، ۱۳۹۱ه.ش، *علوم قرآنی*، قم، موسسه فرهنگی تمهید.

Abboud, H., 2014, *Mary in the Qur'an: A Literary Reading*. London: Routledge.

Baaden, F., 1830; repr. As "What Did Muhammad Borrow from Judaism?" In *The Origins of the Koran: Classic Essays on Islam's Holy Book*, edited by Ibn Warraq, 165–226. New York: Prometheus Books).

Curtin, D P, 2019, *Protoevangelium of James: Greek and English texts*, translated by Alexander Walker, illustrated by Abercht Durer, Dalcasian publishing co.

Dye, Guillaume, 2015, "The Qur'an and its Hypertextuality in Light of Redaction Criticism". *Early Islamic Studies Seminar*, Milan, 15-19 June 2015.

Eisenberg, J. "Imrān." In *Encyclopaedia of Islam*, V.3: 476, Leiden, Brill.

Farber, Z., 2016, *Images of Joshua in the Bible and their Reception* (Vol. 457). Walter de Gruyter GmbH & Co KG.

Geiger, A., 1835, *Judaism and Islam: A Prize Essay*, translated by F. M. Young. Madras: M.D.C.S.P.C.K. Press, (translation of *Was hat Mohammed aus dem Judenthume aufgenommen?*)

- Hoyland, Robert G., 2008, "Epigraphy and The linguistic background to the Qur'an", in The Qur'an in its historical context, Gabriel Said Reynolds, Routledge.
- Margoliouth, D. S., 1905, *Muhammad and the Rise of Islam*, London: G.P. Putnam's Sons.
- Marx, M., 2009, "Glimpses of a Mariology in the Qur'an: From Hagiography to Theology via Religious-Political Debate", In *The Qur'an in Context Historical and Literary Investigations Into the Quranic milieu*, edited by Angelika Neuwirth, Nicolai Sinai, Michael Marx(pp. 533-564), BRILL.
- Mingana, A., 1998, "Three Ancient Korans." In *The Origins of the Koran: Classic Essays on Islam's Holy Book*, edited by Ibn Warraq, 76-114. New York: Prometheus Books.
- Mingana, A., 2002, *What the Koran really says: language, text, and commentary*, Edited: Ibn Warraq, Publisher: Amherst, N.Y.: Prometheus Books.
- Mingana, A., 1927, "Syriac Influences On The Style Of The Kur'an", Bulletin Of The John Rylands Library Manchester.
- Mourad, Suleiman A., 2008, "Mary in the Qur'an: a reexamination of her presentation", Edited by Reynolds, Gabriel said, *The Qur'an in its his historical context*, London and New York, Routledge Taylor and Francis group.
- Neuwirth, A., 2010, "The House of Abraham and the House of Amram: Geneology, Patriarchal Authority, and Exegetical Professionalism." In *The Qur'an in Context: Historical and Literary Investigations into the Quranic Milieu*, edited by Angelika Neuwirth, Nicolai Sinai, and Michael Marx, 499-532. Leiden: Brill.
- Neuwirth, A. "Imagining Mary, Disputing Jesus: Reading Sūrat Maryam (Q.19) and Related Meccan Texts in the Context of the Qur'anic Communications Process." In *Scripture, Poetry and the Making of a Community: Reading the Qur'an as a Literary Text*, edited by Angelika Neuwirth, 499-532. Oxford: Oxford University Press.
- Rubinstein-Shemer, Nesya, 2021, "The Qur'anic Mary in the Light of Rabbinic Texts, Islam and Christian-Muslim Relations", *Journal of Islam and Christian-Muslim Relations*, Volume 32, 2021. Pages 129-158.
- Sale, George, 2010, *Koran, commonly called the Alcoran of Mohammed*, London, printed by C. Ackers.
- Samir, Khalil Samir, 2008, "The Theological Christian Influence on the Qur'an: A reflection", Edited by Reynolds, Gabriel said, *The Qur'an in its his historical context*, London and New York, Routledge Taylor and Francis group.
- Smith, Charls W. F., 1952, *The paradox of Jesus in the Gospels*, Philadelphia, Westminster press.
- Stowasser, Barbara, 1994, *Women in The Qur'an, Traditions, and Interpretation*. Oxford: Oxford University Press.
- Schaff, P. NPNF-213. *Gregory the Great (II), Ephraim Syrus, Aphrahat*. CCEL



تحليل انتقادی دیدگاه خاورشناسان دربارهٔ ... (اعظم سادات شبانی و فروغ پارسا) ۹۷

Trigilio, Rev. John, Jr., Brighenti, Rev. Kenneth, 2005, *Women in the Bible For Dummies*, Canada, Wiley Publishing Inc.

Tozer, A. V., 1961, *The knowledge of the holy: the attributes of God: Their meaning in the Christian*, New York, HarperCollins Publishers.

Walker, James K, 2018, *What The Quran teaches about Jesus*, USA: Harvest Hous Publishers.